

مبانی فقهی حکومت اسلامی

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

مبانی فقہی حکومت اسلامی

(دراسات فی ولایۃ الفقیہ وفقہ الدولۃ الاسلامیۃ)

حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ منتظری

جلد اولیٰ : دولت و حکومت

ترجمہ و تقریر:

محمود صلوالی

منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱ -
مبانی فقهی حکومت اسلامی = (دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله
الاسلامیه) / منتظری؛ ترجمه و تقریر محمود صلواتی. - تهران: سرایی، ۱۳۷۹ -
ج

ISBN 964 - 92805 - 2 - 9 (ج. ۱) - ISBN

ISBN 964 - 92805 - 4 - 5 (ج. ۳) - ISBN 964 - 92805 - 3 - 7 (ج. ۲)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه
کتابنامه.

مندرجات: ج ۱. دولت و حکومت. - ج ۲. امامت و رهبری. - ج ۳. قوای
سه گانه، امر به معروف، حربه و تعزیرات. - ج ۴. احکام و آداب اداره زندانها. -
ج ۵. احتکار، سیاست خارجی قوای نظامی و اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی.
- ج ۶. منابع مالی حکومت اسلامی. -

8 - 8 - 92508 - 964

ج ۶ (چاپ اول) ۲۰۰۰ ریال

۱. ولایت فقیه. ۲. اسلام و دولت. الف. صلواتی، محمود، ۱۳۳۲، مترجم.

ب. شکوری، ابوالفضل، مترجم. ج. عنوان.

۲۹۷/۴۵

۴۰۴۱ د ۷۸ م / ۸ / ۲۲۲۳

۵۸۶۷ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

نشر سرایی

آیت الله العظمی حسینعلی منتظری

مبانی فقهی حکومت اسلامی

جلد ششم: ولایت فقیه؛ اسلام و دولت

ترجمه و تقریر: محمود صلواتی

نوبت چاپ: دوم

چاپ: هاشمیون

تیراژ: دو هزار نسخه

شابک: ۸ - ۸ - ۹۲۸۰۵ - ۹۶۴

تهران، ص.ب ۱۱۷۱، ۱۵۸۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بسمه تعالی

محضر مبارک استاد بزرگوار فقیه عالیقدر آیه الله العظمی منتظری دام عزه

پس از سلام و آرزوی توفیق و عمر پر برکت برای حضرت تعالی.

ترجمه کتاب پرارزش و ماندگار «دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه» که توسط حضرت تعالی نگارش یافته و تدریس شده است و از مدتی پیش با اجازه و زیر نظر حضرت تعالی کار ترجمه آن آغاز گردیده بود، اکنون تحت عنوان «مبانی فقهی حکومت اسلامی» آماده چاپ و نشر گردیده که مستدعی است در صورت صلاحدید اجازه چاپ و نشر آن را صادر فرمایید.

در تنظیم این مجموعه همواره تلاش بر این بوده که با توجه به فنی بودن مباحث، مطالب کتاب روان و قابل استفاده برای عموم، ترجمه و تقریر شود و برای حصول اطمینان بیشتر از چند نفر فضلا، درخواست شد مجدداً متن آن را با متن عربی مورد تطبیق قرار دهند، و نیز طبق راهنمایی حضرت تعالی، مطالب افاضه شده در جلسات درس که در متن عربی کتاب نیامده و توضیح برخی اصطلاحات، و یادآوری برخی نکات در پاورقی درج گردیده تا ضمن جامعیت کتاب از متن متمایز باشد.

ادام الله ظلكم الوارف

ابوالفضل شکوری - محمود صلواتی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
عج اسلام آقايمان صلوات الله وسلامه عليه
ضمن تعديرا زهد ما علمي وفرهنگي سما انتك در ركنه كتاب
مانعي ندارد. خداوند بجزوب با توفيق خدمت بسلام
وسلمين عنايت فرمايد. والسلام عليكم ورحمة الله

۱۳۶۷/۹/۲۱
طهرانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	یادداشت مترجم
	بخش هشتم
	منابع مالی حکومت اسلامی
۲۳	مقدمه
	فصل اول: زکات و صدقات
۲۹	جهت اول: مفهوم زکات و صدقه
۳۷	جهت دوم: زکات در چیست؟
۳۷	دیدگاههای فقها در مسأله
۴۱	روایات پیرامون آنچه در آن زکات است
۵۳	راههای جمع بین روایات
۵۸	قرائن حمل روایات بر تقیه
۶۵	عدم انحصار زکات در نه چیز
۶۸	زکات در هر زمان متناسب با منابع درآمد و نیازمندیهای جامعه
۷۰	زکاتهای مستحب و نقش امام در تعیین آن
۷۳	جهت سوم: اختیارات حاکم اسلام در زکات
۸۱	جهت چهارم: صدقات مستحبی و موقوفات عام المنفعه
	فصل دوم: خمس
۹۳	جهت اول: مفهوم خمس و چگونگی تشریح آن

- ۹۹ روایات وارده در تبیین مفهوم غنیمت
- ۱۰۷ جهت دوم: چیزهایی که در آنها خمس واجب است
- ۱۰۷ فتاوی فقها در مسأله
- ۱۰۹ موارد وجوب خمس
- ۱۰۹ ۱ - غنائم جنگ
- ۱۲۰ ۲ - معادن
- ۱۲۲ نظریه فقهای سنت درباره معادن
- ۱۲۹ ۳ - گنج
- ۱۳۲ ۴ - غواصی
- ۱۳۳ ۵ - مازاد بر مخارج سال (سود سالانه)
- ۱۳۵ روایات مسأله
- ۱۴۱ گفت‌وگو پیرامون چند مطلب
- ۱۴۲ مطلب اول: خمس ارباح مکاسب از چه زمانی تشریح گردید؟
- ۱۴۷ مطلب دوم: بیان روایات تحلیل و جواب از آنها
- ۱۵۶ چند نمونه از روایات مخالف با تحلیل خمس
- ۱۶۰ مطلب سوم: درآمد چیست؟
- ۱۶۳ ادله وجوب خمس در مثل هدیه و جایزه
- ۱۷۱ ۶ - زمین خریداری شده از مسلمان توسط کافر ذمی
- ۱۸۰ ۷ - مال حلال مخلوط به حرام
- ۱۸۷ جهت سوم: مصارف خمس
- ۱۹۲ بیان معنای آیه شریفه: واعلموا انما غنمتم
- ۱۹۷ بیان مصارف خمس در روایات
- ۲۰۱ خمس حقی واحد برای منصب امامت
- ۲۱۹ جهت چهارم: حکم خمس در زمان غیبت
- فصل سوم: غنائم، زمینها و اسرای جنگ
- ۲۳۳ جهت اول: معنای غنیمت و فرق بین غنیمت و فبی
- ۲۳۹ جهت دوم: اختصاص غنائم به خدا و رسول ﷺ
- ۲۴۵ ملک شخصی نبودن غنائم و انقال برای رسول ﷺ و امام ﷺ
- ۲۴۷ نظریه فقها در مورد چگونگی تقسیم غنائم

- ۲۵۲ تقسیم نشدن غنائم مکه و جنگ حنین
- ۲۶۱ عدم تهاافت بین آیه انفال و آیه خمس و نسخ نشدن هریک از آنها
- ۲۷۱ جهت سوم: چگونگی تقسیم غنائم
- ۲۷۶ روایاتی که در تقسیم غنیمت وارده شده است
- ۲۸۰ فتاوی فقها در دو برابر بودن سهم سواره
- ۲۸۲ روایات مؤید نظر فقهای شیعه
- ۲۸۷ حکم نیروهای کمکی و...
- ۲۹۳ چند فرع در مسأله
- ۲۹۹ جهت چهارم: سلب (لباس و سلاح مقتول که به قاتل او می دهند)
- ۲۹۹ جریان تاریخی سلب
- ۳۰۳ مسئله اول: سلب برای کیست؟
- ۳۰۷ مسئله دوم: قاتل در چه صورتی مستحق سلب است؟
- ۳۰۹ مسئله سوم: مقصود از سلب چیست؟
- ۳۰۹ مسئله چهارم: آیا سلب هم مانند غنائم جنگ خمس دارد؟
- ۳۱۳ جهت پنجم: اشیاء برجسته از غنیمت که برای امام است
- ۳۱۵ جهت ششم: حکم زمینهایی که به وسیله جنگ فتح شده است (اراضی مفتوحة عنوة)
- ۳۱۷ فتاوی فقها در مسئله
- ۳۳۱ روایات وارده در مسئله و حکم خرید و فروش آن
- ۳۵۰ روایات وارده در چگونگی تقسیم زمینهای خیبر
- ۳۵۴ گفت و گو پیرامون چند محور
- ۳۵۴ محور اول: مالکیت عنوان و معنای آن
- ۳۵۶ محور دوم: زمینهای مفتوحة عنوة آیا زمینهای موات است یا آباد؟
- ۳۶۲ محور سوم: انتقال حق تصرف به مسلمانان
- ۳۶۴ محور چهارم: عدم جواز فروش رقبه زمین
- ۳۷۱ محور پنجم: متصدی اراضی مفتوحة عنوة کیست؟
- ۳۷۲ دلایل تحلیل این گونه زمینها برای شیعه در عصر غیبت
- ۳۸۲ محور ششم: جواز خرید زمین مفتوحة عنوة از سلطان جائز
- ۳۸۵ سه دلیل بر جواز معاملات و تصرفات شیعیان در زمینهای خراجیه
- ۳۹۳ محور هفتم: دخالت خرید از سلطان جائز در حکم یاد شده
- محور هشتم: آیا شارع صحت تصرفات سلطان جائز را امضاء کرده یا حلیت تصرف

- ۳۹۴ برای شیعه را؟
- ۳۹۸ محور نهم: سلطان جائز کیست؟
- ۴۰۴ اشکالهای وارده بر دلایل تعمیم
- ۴۰۶ محور دهم: نقش اجازه امام در زمینهایی که با شمشیر فتح شده
- ۴۱۱ محور یازدهم: شرایط خراجی بودن زمین
- ۴۱۳ اشاره به چند نکته
- ۴۲۵ جهت هفتم: اسیران جنگ
- ۴۳۲ دو مسئله قابل ملاحظه
- ۴۳۲ مسئله اول: در حکم زنان و بچه‌ها
- ۴۳۴ روایات مسأله
- ۴۴۱ مسئله دوم: حکم اسرای بالغ کفار
- ۴۵۰ روایات مسئله
- ۴۵۹ توجه به چند نکته
- نکته اول: آیا حکم کشتن اسیران در زمان جنگ در صورتی است که نگهداری آنان خطر آفرین باشد؟
- ۴۵۹
- نکته دوم: آیا کشتن اسیران پس از خاموش شدن جنگ جایز است؟
- ۴۶۱
- نکته سوم: آیا تخییر در سه شیوه یا چهار شیوه مخصوص به اسیران اهل کتاب است؟
- ۴۶۵
- نکته چهارم: آیا تخییر امام، تخییر دلبخواه است یا تخییر مصلحت؟
- ۴۶۷
- نکته پنجم: اگر به اسیر به عنوان غنیمت بنگریم آیا حق غانمین است؟
- ۴۶۹
- نکته ششم: نقش اسلام آوردن اسیر در مجازات وی
- ۴۷۰
- خلاصه کلام و نتیجه
- ۴۷۳
- جهت هشتم: غنائم و اسرای اهل بغی (شورشگران)
- ۴۷۷
- بغی چیست و باغی کیست؟
- ۴۷۷
- کیفیت برخورد با اهل بغی و شرایط آن
- ۴۸۱
- پژوهش پیرامون دو مسأله
- ۴۸۴
- مسئله اول: حکم افراد شکست خورده و مجروح و اسیر شده از بغات
- ۴۸۵
- اقوال فقها در مسأله
- ۴۸۵
- روایات مسأله
- ۴۹۰
- جمع‌بندی محتوای روایات
- ۵۰۱

۵۰۲	عفو نمودن و منت نهادن علی (ع) بر سپاه بصره
۵۰۴	خلاصه کلام و نتیجه
۵۰۵	توجه به یک نکته
۵۰۶	مسئله دوم: حکم زنان و فرزندان و اموال شورشگران (بغات)
۵۰۷	دیدگاههای فقها در مسئله
۵۱۵	روایات مسئله
۵۲۱	جمع بندی روایات
۵۲۴	دیدگاههای مختلف فقها در مورد اموال منقول و تجهیزات جنگی بغات
۵۲۸	روایات جواز تقسیم ادوات و تجهیزات جنگی بغات
۵۳۷	خلاصه کلام و نتیجه

یادداشت مترجم

اسلام به عنوان مکتبی که عدالت اجتماعی را به پیروان خود نوید داده و اقامه قسط را یکی از اهداف عمده بعثت پیامبران اعلام فرموده، در مجموعه به هم پیوسته قوانین حکومتی اسلام جایگاه ویژه ای را به منابع مالی حکومت اسلامی اختصاص داده و هماهنگ با سایر مسایل سیاسی اجتماعی، شالوده استواری را برای آن پی ریخته است.

اما در شرایطی که در مرحله عمل، حکومت‌های مدعی اسلام از ارزشها و ضوابط اسلامی تهی گردند و کارگردانان حکومت، پوستین اسلام را وارونه به تن کنند و دین را دست‌آویزی برای حاکمیت خود قرار دهند، تبیین مجموعه مبانی فقهی حکومت اسلامی، از جمله منابع مالی آن، با مشکل اساسی روبرو می‌گردد. به راستی در چنین شرایطی چه باید کرد و مسائل حکومتی اسلام را چگونه باید تبیین نمود؟!

از یک سو وظیفه ایجاب می‌کند که پایه‌های فقهی حکومت اسلامی تحکیم و تبیین شود؛ اما از دیگر سو، تفکیک عمل حکومت‌های مدعی اسلام از اسلام کاری است که به آسانی امکان پذیر نیست.

در رویارویی با این پرسش مهم و مشکل اساسی، سه دیدگاه متفاوت قابل بررسی است:

ب: روایات و فتاوای ناظر به شرایط ویژه در زمان حاکمیت غاصبانه حکومت‌های ستمگر باطل و در اقلیت قرار گرفتن حق.

که هر یک از اینها ویژگیهای مخصوص به خود را دارد و نمی‌توان بر هر یک ویژگی دیگری را استوار نمود در همین راستاست که تعارض ظاهری بسیاری از روایات با یکدیگر و نیز تضاد آشکار فتاوای فقها در یک مسأله بخصوص قابل توجیه و تبیین است.

اختلاف فتاوای فقهای بزرگوار ما در نماز جمعه، که برخی در زمان غیبت به حرمت اقامه آن فتوا داده‌اند و برخی به وجوب تعیینی یا تخیری آن در صورت وجود شرایط.

اختلاف بر سر اینکه آیا زکات منحصر به «نُه» چیز است - چنانکه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه بود - یا اینکه گسترده است و چیزهای دیگر را هم در بر می‌گیرد.

اختلاف در این مورد که خمس ارباح مکاسب (خمس سود تجارت) در چه زمانی واجب شده، و اصولاً خمس به دست چه فرد یا افرادی باید برسد، و اینکه شأن بیان روایات تحلیل خمس و انفال، مربوط به چه زمان است. و اصولاً اختلاف بر سر اصل مسأله ولایت فقیه که اصولاً فقیه کیست و ولایت چیست و آیا این مقام و عنوان انتصابی است یا انتخابی؟ و اینکه ولایت آیا منحصر در امور حسبیه است یا اینکه ولایت عامه است و همه مسائل جامعه را در بر می‌گیرد.

و دهها مسأله مورد اختلاف دیگر که بسیاری از آنها در چارچوب فوق قابل جمع و تبیین است. و استاد بزرگوار در این مجلد و سایر مجلدات این مجموعه، به هنگام جمع بین روایات و فتاوا به این نکته مهم و اساسی اشاره فرموده‌اند، که در اینجا برای روشتر شدن مسأله دو نمونه آن را از نظر می‌گذرانیم.

معظم له در وجه چهارم از راههای جمع بین روایات زکات می‌فرمایند:

«وجه چهارم: اینکه بگوییم اصل ثبوت زکات از قوانین اساسی اسلام و بلکه

جمعیت ادیان الهی است؛ زکات در قرآن، همانند نماز — که ستون دین است — قلمداد شده، چون اساس مالی حکومت اسلامی است و این فریضه در آیات زیادی تکرار گردیده؛ مخصوصاً اگر خمس را هم به زکات ارجاع دهیم و آن را از مصادیق زکات بدانیم ... قرآن کریم بیان آنچه در آن زکات است را به اختیار اولیاء مسلمین و حاکمان به حق در هر زمان و مکانی نهاده است؛ و پیامبر اکرم ﷺ به عنوان اینکه در زمان خودش حاکم مسلمانان بود، زکات را بر نه چیز قرار داد؛ به این جهت که این نه چیز عمده ثروت عرب آن روز محسوب می شد ... و بسا ائمه علیهم السلام در بعضی اوقات مشاهده می کردند زکاتهایی که از مردم گرفته می شده در تقویت دولتهای باطل و ستمگر مصرف می گردد؛ و چون ائمه می خواسته اند دولتهای جور را با سد کردن منابع مالی آنان تضعیف نمایند، عمل پیامبر را — که زکات را در نه چیز قرار داده است — برای جلوگیری از پرداخت زکات به دولتهای باطل نقل می کرده اند. ^(۱)

و در ارتباط با خمس ارباح مکاسب (خمس سود تجارت) می فرمایند:

«و نیز ممکن است گفته شود: خمس ارباح مکاسب یک مالیات حکومتی است که ائمه متأخر (امام رضا و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام) به عنوان اینکه شرعاً رهبران مردم و مدیران جامعه (شیعه) بوده اند بر حسب نیاز زمان خود آن را قرار داده اند، چون زکاتها و اموال عمومی و دیگر مالیاتهای اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شده و در اختیار خلفای جور و عمال آنان قرار گرفته بود، لذا می بینید ائمه علیهم السلام گاهی آن را حلال می کردند [در زمان امام صادق و امام باقر علیهما السلام که روایات تحلیل رسیده است] و گاهی آن را طلب می نمودند [در زمان امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام].

و نظیر همین مطلب را ما در خمس معادن و گنجها نیز احتمال می دهیم، بنابراینکه این دو از انفال بوده و خمس در آنها به عنوان حق الاقطاع و اجازه

(۱) ر، ک. همین مجلد / ۶۱-۶۳.

تصرف در آنها باشد.^(۱)

و نکات مهم و قابل توجه دیگری که خوانندگان گرامی به هنگام مطالعه کتاب به آن عنایت خواهند فرمود.

یادآوری دو نکته :

۱- بخشی از پیش نویس ترجمه این مجلد توسط حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ اکبر سعیدی انجام پذیرفته است که بدین وسیله از همکاری ایشان سپاسگزاری به عمل می آید.

۲- در این مجلد نیز همانند مجلدات پیشین، هر جا ذیل پاورقی ها جمله: (الف-م، جلسه ... درس) آمده، اشاره به جمله «از افاضات استاد بزرگوار آیه الله العظمی منتظری در جلسه ... درس مبانی فقهی حکومت اسلامی» است که برای رعایت اختصار تلخیص شده است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

رمضان المبارک ۱۴۱۵ هـ. ق

مطابق با بهمن ماه ۱۳۷۳ هـ. ش

حوزه علمیه قم - محمود صلواتی

(۱) ر، ک. همین مجلد / ۱۴۶.

بخش هشتم:

منابع مالی حکومت اسلامی

مطالب این بخش طی یک مقدمه و شش فصل

خدمت شما تقدیم می گردد

مقدمه

بی گمان اداره جوامع و تأسیس دولت و تشکیل قوای سه گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) و به عهده گرفتن امور اجتماعی و عمومی مردم در زمینه های مختلف، جز با هزینه کردن بودجه های سنگین امکان پذیر نیست. و به هر اندازه دامنه یک حکومت گسترده تر و انتظارات مردم از دولت بیشتر باشد اداره آن جامعه به بودجه و اعتبار بیشتری نیازمند است. بر این اساس هر کس در نظر داشته باشد دولت و حکومتی را ولو در منطقه ای کوچک و به شکل محدود تأسیس کند الزاماً باید منابع مالی متناسب با نیازمندیهای آنرا پیش بینی نماید. تاریخ نیز گواه بر این مطلب است که یکی از مهم ترین مسائلی که همواره فکر و ذهن سلاطین را بخود مشغول می داشته و فرمانروایان حکومتها در زمانها و مناطق مختلف به آن می اندیشیده اند، برنامه ریزی برای تأمین منابع مالی و چگونگی وصول آن بوده است تا با پشتوانه آن بتوانند اهداف و برنامه های خود را در جامعه پیاده کنند، و این یک امر بدیهی است که شک و تردیدی در آن نیست.

اسلام نیز از این قانون مستثنی نیست و از همان ابتدای پیدایش، دین و حکومت را در کنار یکدیگر و احکام عبادی را در کنار احکام اقتصادی و سیاسی قرار داده است؛ چنانچه تفصیل آن در ابواب مختلف این کتاب از نظر خوانندگان گرامی گذشت. قرآن و سنت برای رفع نیازمندیهای عمومی جامعه در اعصار و

قرون مختلف، مواردی را به عنوان منابع مالی حکومت اسلامی یادآور شده است.

شما قرآن را ملاحظه می فرمائید که در بیشترین موارد که به اقامه نماز به عنوان ستون و پایه دین دستور فرموده درست در کنار آن زکات و انفاق در راه خدا را مطرح فرموده است و از همین نکته اهمیت «مال» برای حفظ و بقاء «دین» و «دولت» در طی اعصار و قرون مشخص می گردد.

از سوی دیگر چون درج همه مباحث منابع مالی اسلام بصورت گسترده و مفصل در بخش خاصی از این کتاب چیزی همانند گنجاندن آب دریا در کوزه می نمود، به ناچار برای اینکه کتاب از این مبحث خالی نباشد اجمالاً به بیان آن پرداخته ایم، و خوانندگان و پژوهندگان در این زمینه را به کتابهای مفصلی که در این زمینه از شیعه و سنی نوشته شده ارجاع می دهیم.

در این زمینه کتابهایی از ما نیز تاکنون به چاپ رسیده، دو مجلد درباره زکات و یک مجلد درباره خمس و انفال، بدین امید که خداوند متعال ما را بر تتمیم بحث زکات به حول و قوه خویش یاری فرماید انشاء الله.^(۱)

اکنون با توجه به آنچه گفته شد، یادآور می شویم که عناوین مهمی که در کتاب و سنت برای منابع مالی آمده بدینگونه است:

نخست: زکات و صدقات به مفهوم گسترده آن که صدقات مستحبی و موقوفات و بناهای خیریه عام المنفعه را هم شامل می گردد.

دوم: خمس با همه اقسام آن از جمله خمس سود تجارت و درآمدهای روزمره

(۱) حضرت استاد حفظه الله به هنگام تدریس و تدوین مبحث علمی پژوهشی زکات هنگامیکه به بحث «عاملین علیها» - مأمورین گردآوری زکات» رسیدند به تناسب به مبحث حکومت اسلامی - یعنی متن همین کتاب که حدود چهار سال تدوین و تدریس آن به درازا کشید - پرداختند، آنگاه به ادامه مباحث زکات بازگشتند، که هم اکنون آن مباحث در دو مجلد دیگر که با دو مجلد پیشین به چهار مجلد می رسد توسط نشر تفکر به چاپ رسیده و در اختیار دانش پژوهان قرار دارد. (مقرر)

با همه وسعت و گستردگی آنها.

سوم: غنائم جنگ، از جمله سرزمینهایی که به وسیله جنگ وارد حوزه اسلام شده و نیز اسرای جنگی.

چهارم: فیهی با توجه به معنی و مفهوم عام آن که از آن جمله است خراج و جزیه.

پنجم: انفال که از مهم ترین مصادیق آن: زمینها، جنگلها، نزارها، دریاها و معادن روزمینی و زیرزمینی می باشد، که بیان آنها خواهد آمد.

ما این عناوین پنجگانه را در پنج فصل مورد پژوهش قرار می دهیم، آنگاه به فصل ششمی می پردازیم تحت عنوان مالیاتهایی که حکومت و دولت بر حق، در صورت لزوم و عدم کفایت مالیاتهای منصوصه بسا بتواند به وضع آن پردازد. بر این پایه این مبحث در شش فصل خدمت شما تقدیم می گردد:

فصل اول:

زکات و صدقات

- * مفهوم زکات و صدقه
- * زکات در چیست؟
- * اختیارات حاکم اسلامی در زکات
- * صدقات مستحبی و موقوفات عام المنفعة

جهت اول

مفهوم زکات و صدقه

زکات در لغت به معنای «نماء - زیادتی» و «پاکی» آمده است، دیگر معانی هم به این دو معنی بر می گردد.

کتاب معجم مقاییس اللغة در لغت «زکی» می نویسد:

زاء و کاف و حرف عله - یاء - از حروف اصلی این کلمه اند که بر نماء و زیادتی دلالت می کند، به معنای «پاک شدن» هم گفته شده است. بعضی گفته اند: زکات مال را به این مناسبت زکات می گویند که در آن امید به افزایش مال است یعنی زیادتی و نمو مال.

برخی نیز گفته اند: زکات را از اینرو زکات می گویند که باعث پاکی مال (و قرب صاحب آن به خداست) دلیل بر این مطلب آیه شریفه «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها»^(۱) از اموال آنان صدقه بگیر تا بوسیله آن آنان را پاک ساخته و پرورش دهی» می باشد. پس اصل در همه آنچه بیان شد به این دو معنی یعنی «زیادتی» و «پاک شدن»^(۲) بر می گردد.

(۱) توبه (۹)/۱۰۳.

(۲) معجم مقاییس اللغة ۳/۱۷.

راغب در مفردات می گوید:

اصل زکات همان زیادتی است که از برکت خداوند متعال حاصل می گردد؛ گفته می شود:

«زکا الزرع یزکو» یعنی در زراعت زیادتی و برکت پدید آمد. ^(۱)

در نهج البلاغه نیز جمله ای آمده که از واژه «زکاء» نمو استفاده می شود بدین مضمون: «المال تنقصه النفقه و العلم یزکو علی الانفاق» ^(۲) - مال با هزینه کردن کم آید و دانش با پراکنده شدن بیافزاید.

از نمونه آیاتی که لفظ زکات در آنها ظهور در «پاک شدن» دارد این آیات است:

«ذلکم ازکی لکم واطهر» ^(۳) - عمل به دستورات الهی برای زدودن آلودگی شما مفیدتر است. و آیه:

«فلینظر ایها ازکی طعاما» ^(۴) - پس باید بنگرد کد امین نفر غذای بهتری دارند و آیه:

«قد افلح من زکّاه» ^(۵) - هر که نفس خود را پاک کرد رستگار شد. و آیه

«فلاتزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقی» ^(۶) - خودستایی نکنید که او پرهیزکاران را بهتر می شناسد. تزکیه از باب تفعیل ^(۷) به معنای نسبت دادن می آید.

زکات اصطلاحی در فقه ممکن است از یکی از این دو معنی گرفته شده باشد،

(۱) مفردات راغب/۲۱۸.

(۲) نهج البلاغه فیض/۱۱۵۵، لحن/۴۹۶، حکمت/۱۴۷.

(۳) بقره (۲)/۲۳۲.

(۴) کهف (۱۸)/۱۹.

(۵) الشمس (۹۱)/۹.

(۶) النجم (۵۳)/۳۲.

(۷) یعنی هنگامیکه زکی ثلاثی مجرد به باب تفعیل برده شود و عین الفعل آن مشدد گردد زکی، یزکی، تزکیه - بر این پایه آیه شریفه «فلاتزکوا انفسکم» معنی آن این می شود که پاکی را بر خود مبنید، خودستایی نکنید. (مقرر)

زیرا به سبب پرداخت زکات هم مال زیادت و برکت پیدا می کند و هم موجب پاک شدن مال و صاحب مال می گردد، ولکن آنچه با سخن خداوند متعال در آیه شریفه: «خذ من اموالهم صدقه تطهر هم و تزکیهم بها»^(۱) تناسب دارد معنای دوم یعنی پاک شدن است.

ولذا چون مقصود از زکات دادن پاک شدن صاحب مال است در مقام اداء آن قصد قربت شرط گردیده، و این خود از امتیازات اقتصاد اسلامی است که به واجبات مالی رنگ عبادت و قرب به سوی حق تعالی داده شده است و این نکته ایست شایان توجه.

اما در اصطلاح فقها: «زکات اندازه و مقدار مشخصی از مال است که اخراج آن از مال با شرایط ویژه خود خواسته شده است.» یا «زکات یک حق مالی است که در وجوب آن «نصاب»^(۲) مخصوص معتبر گردیده است» یا «زکات: صدقه ای است که اصالتاً متعلق به «نصاب» مخصوصی است.» و تعریفهای دیگری از این قبیل که برای آن گفته شده است.

مفهوم صدقه:

راغب در مفردات می گوید:

«صدقه، چیزی است که انسان از مال خود به قصد قربت خارج می کند مثل زکات (از باب تشبیه) لکن صدقه در اصل بر اخراج مال بنحو استحباب گفته شده، و در زکات بنحو وجوب، و گاهی اخراج مال بنحو وجوب را صدقه گفته اند، و آن در وقتی است که صاحب صدقه، قصد صدق در فعلش منظور باشد، خداوند متعال می فرماید: «خذ من اموالهم صدقه - ای پیامبر از اموال آنان صدقه ای بگیر»

(۱) توبه (۹)/۱۰۳.

(۲) نصاب، اندازه ای از مال را گویند، که شارع آنرا بعنوان علامت و معیاری نصب کرده که هر وقت مال به آن مقدار رسید، زکات در آن واجب می شود. (مقرر)

«انما الصدقات للفقراء - جز این نیست که صدقات برای فقیران است.»^(۱)

در تفسیر مجمع البیان آمده است:

«فرق بین صدقه و زکات اینست که زکات امری است واجب ولی صدقه گاهی واجب است و گاهی مستحب.»^(۲)

ممکن است سخن مجمع البیان به زکاتهای مستحبی مثل زکات مال التجاره و زکات اسبان و مانند آن نقض شود، و در قرآن مواردی است که زکات بر غیر واجب، بلکه زکات مستحب و غیر مقدر نیز (زکاتی که اندازه خاصی در شرع ندارد) اطلاق گردیده، مانند آیه شریفه: «انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاه و هم راکعون - سرپرست شما تنها خدا و پیامبر او و کسانی هستند که ایمان آورده اند و نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.»^(۳)

این آیه در اخبار شیعه و سنی به انگشتی که امیرالمومنین (ع) در نماز، آن را صدقه داد تفسیر شده است.

ماوردی در احکام السلطانیه می گوید:

«صدقه همان زکات است، و زکات همان صدقه، در اسم با هم اختلاف دارند ولی هر دو یک حقیقتند، و در مال مسلمان حقی غیر از زکات واجب نشده است، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: در مال غیر از زکات حقی نیست.»^(۴)

به نظر می آید صدقه از «صدق» اخذ شده است، و مفهوم آن شفقت و رحمت بر «زکات گیرنده» قرار داده شده و شاهد بر این مطلب است قول برادران یوسف (ع) در قرآن که به او گفتند: «تصدق علینا - بر ما رحم کرده و تصدق نما»^(۵) با این

(۱) مفردات راغب/ ۲۸۶.

(۲) مجمع البیان/ ۱/ ۳۸۴، (جزء ۲).

(۳) مائده (۵)/ ۵۵.

(۴) احکام السلطانیه/ ۱۱۳.

(۵) یوسف (۱۲)/ ۸۸.

وصف فرقی نمی کند برای صدقه تقدیر خاص باشد یا نه، واجب باشد یا مستحب بر همین پایه (شفقت و رحمت بر زکات گیرنده) است که، صدقه بر بنی هاشم که از وابستگان به حاکم مسلمین بوده اند حلال نمیباشد و بجای آن، خمس بعنوان حق حکومت برای آنان تشریح گردیده، چنانکه بعد به بیان آن خواهیم پرداخت.

اما زکات، همان حق مالی است که در مالی خاص یا بر فردی خاص (زکات فطره) برای پاک نمودن مال و صاحب آن تشریح گردیده، چه واجب باشد و چه مستحب، و لذا زکات مال و زکات فطره و دیگر زکاتهای واجب و مستحب را شامل می شود، و ممکن است خمس اصطلاحی را نیز در بر گیرد. ملاحظه مفهوم زکات به حسب معنای لغوی آن این مطلب را تأیید می کند، زیرا با ملاحظه مفهوم لغوی این واژه تفاوتی در میان خمس و زکوة در مفهوم حصول برکت و پاک شدن نیست و به همین جهت در بسیاری از آیات زکات به معنای عام آن در ردیف صلوة آورده شده است، (نماز: واجب بدنی، زکات: واجب مالی). از سوی دیگر و بر فرض پذیرفته شود زکات قسیم و همردیف خمس اصطلاحی است، در این صورت، ذکر آن در آیات قرآن از باب مثال می باشد، یعنی کنایه از هر نوع حق مالی است که خداوند تشریح فرموده، و در آیات قرآن تحریک بر انجام واجبات بدنی و مالی با هم مراد می باشد، و مومن کسی است که تعبد بر انجام هر دو داشته باشد، و این نکته شایان دقت است.

در هر صورت اگر زکات را قسیم خمس اصطلاحی قرار دادیم، آنوقت صدقه اعم از زکات می باشد - صدقه واجب (زکات اصطلاحی) و صدقه مستحب - و اگر زکات را اعم از خمس فرض نمودیم، در آن صورت روشن است که نسبت بین صدقه و زکات، عموم من وجه خواهد بود.^(۱)

(۱) به این بیان که خمس اصطلاحی زکات است صدقه نیست، صدقه مستحبی صدقه هست زکات نیست، زکات اصطلاحی هم زکات است هم صدقه. (الف - م).

زکات از اختراعات اسلام نیست، بلکه مثل نماز در شرایع پیشین هم وجود داشته است، مانند آنجا که قرآن به حکایت از قول عیسی بن مریم (ع) می فرماید: «و اوصانی بالصلاة و الزکاة ما دمت حیا - و مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است.»^(۱)

و آنجا که یکی از صفات «اسماعیل صادق الوعد» را اینطور بیان می کند: «وکان یامر اهله بالصلاة و الزکاة - او همواره خانواده خود را به نماز و زکات، امر می کرد.»^(۲)

و آنجا که بعد از ذکر انبیاء گذشته چنین می فرماید: «وجعلنا هم ائمة یهدون بامرنا، و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلاة و ایتاء الزکاة - ما آنها را امام و رهبر مردم قرار دادیم و آنها به فرمان ما هدایت می کردند، و به آنها انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را وحی کردیم.»^(۳)

آیات فوق مؤید مطلبی است که ما پیش از این به آن اشاره کردیم که مراد از زکات هر نوع حق مالی مشخص و معین است که به حسب شرایع مختلف و مکانها و زمانهای متفاوت مقدار و مورد آن الزاماً مختلف و متفاوت می گردد. و این نکته ایست شایان توجه.

در روایات شیعه و سنی نیز بر وفق قرآن از چیزی که قسیم خمس اصطلاحی می باشد بعنوان صدقه تعبیر آورده شده نه زکات، آنجا که خداوند متعال می فرماید: «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها - از اموال آنها صدقه بگیر...»^(۴) و آیه شریفه: «انما الصدقات للفقراء و المساکین - جز این نیست که صدقات برای فقیران و مسکینان است.»^(۵) و آیه شریفه: «ومنهم من یلمزک فی

(۱) مریم (۱۹) / ۳۱.

(۲) مریم (۱۹) / ۵۵.

(۳) انبیاء (۲۱) / ۷۳.

(۴) توبه (۹) / ۱۰۳.

(۵) توبه (۹) / ۶۰.

الصدقات - بعضی از آنها در تقسیم صدقات بر تو عیب می گیرند. ^(۱)
 در روایات شیعه و سنی هم از چیزی که بر بنی هاشم حلال نمی باشد به لفظ صدقه تعبیر شده، نه زکات. در این خصوص به کتاب الزکاة وسائل الشیعه باب ۲۹ از ابواب مستحقین زکات و بابهای بعد از آن مراجعه فرمائید. ^(۲)

بله در خبر اسماعیل بن فضل هاشمی آمده، که می گوید: «از امام صادق (ع) از صدقه ای که بر بنی هاشم حرام گردیده پرسش کردم که چیست؟ حضرت فرمودند: زکات است. ^(۳)»

ولیکن روشن است که از این روایت بر می آید، در ذهن سئوال کننده حرام بودن صدقه مسلم بوده است، و جواب به زکات در کلام امام (ع) آمده، و ممکن است گفته شود: زکات در کلام امام (ع) اشاره است به صدقه واجب مشخص شده از سوی شارع در قبال صدقات مستحبی، زیرا در بعضی روایات است که صدقات مستحبی بر بنی هاشم حلال است.

نظیر این روایت، روایت زید شحام است، به نقل از امام جعفر صادق (ع) که گوید: «از امام صادق (ع) سئوال کردم صدقه ای که بر بنی هاشم حرام شده چیست؟ حضرت فرمود: همانا زکات واجب است، و صدقه بعضی از ما بر بعض دیگر حرام نمی باشد. ^(۴)»

مسلم در کتابش (صحیح مسلم) هشت روایت در تحریم صدقه بر پیامبر (ص)

(۱) توبه (۹)/۵۸ و ۶۰.

(۲) وسائل ۶/۱۸۵ و مابعد آن.

(۳) فی خبر اسماعیل بن الفضل الهاشمی قال: سئلت ابا عبدالله (ع) عن الصدقة التي حرمت علی بنی هاشم ما هي؟ فقال: هي الزکات. (وسائل ۶/۱۹۰ باب ۳۲ من ابواب مستحقین للزکاة حدیث ۵).

(۴) رواية زيد الشحام، عن ابي عبدالله (ع) قال: سئلته عن الصدقة التي حرمت عليهم؟ فقال: هي الزکات المفروضة و لم يحرم علينا صدقة بعضنا علی بعض. (وسائل ۶/۱۹۰ باب ۳۲ من ابواب مستحقین للزکاة حدیث ۴).

و آل او ذکر کرده و در تمام هشت روایت لفظ صدقه ذکر شده نه زکات، گرچه ایشان در عنوان باب لفظ زکات را ذکر نموده، که در این مورد شاید اشتباه کرده است، رجوع شود به صحیح مسلم.^(۱)

www.KetabFarsi.com

(۱) صحیح مسلم ۲/۷۵۱، کتاب الزکاة، باب ۵۰.

جهت دوم

زکات در چیست؟

چیزهایی که در آن زکات قرار داده شده، در روایات و فتاوای شیعه و سنی مورد اختلاف است، و ما بطور مفصل در جلد اول کتاب زکات - که چاپ هم شده^(۱) - متعرض این مسأله شده ایم ولیکن در اینجا چند نمونه از فتاوی و روایات را ذکر می کنیم، و تفصیل و تحقیق در این مسأله را به همان کتاب ارجاع می دهیم:

دیدگاههای فقها در مسأله

۱- سید مرتضی در کتاب انتصار چنین می گوید:

«آنچه گمان شده امامیه به تنهایی قائل به آن است، اینست که زکات، واجب نشده مگر در نه چیز: دینار، درهم (طلا و نقره مسكوك)، گندم، جو، خرما، كشمش، شتر، گاو و گوسفند، و در غیر اینها زکات نیست، و باقی فقها در این قول با امامیه مخالفند. حکایت شده از ابن ابی لیلی و ثوری و ابن حی (حسن بن صالح بن حی از ائمه زیدیه) که در هیچ یک از محصولات کشاورزی زکات

(۱) کتاب الزکاة ۱/ ۱۴۷ و بعد از آن.